

# بلیت برگشت

## مسائل مراجعت کارگران مهاجر

نوشته اریک - ژان توماس و کاترین ویتول دو واندن

جریانهای مهاجرانی که پس از جنگ جهانی دوم، و به ویژه از دهه ۷۰-۱۹۶۰ به بعد، به سوی کشورهای غربی روان شدند از این نظر که قرار بود جنبه موقت داشته باشند با جریانهای قبلی تفاوت داشتند.

پس از مهاجرانی که خانه کن و به منظور تسخیر جهانی نو جلای وطن کردند، مهاجران دهه ۷۰-۱۹۶۰ به تدریج خیال اقامت دائم در کشور میزبان را در سر می‌پروراندند. هدف آنها این بود که کاری با مزد بیشتر پیدا کنند، بولی کنار بگذارند، و آن‌گاه به وطن بازگردند و پس‌انداز خویش را در کاری مفید بکار بیندازند.

متعاقب بحران نفت در سال ۱۹۷۳ که ممالک صنعتی تصمیم گرفتند از قبول مهاجر خودداری کنند، تصمیم آنها نتیجه‌ای غیرمنتظره به بار آورد: به جمعیت مهاجران افزوده شد و دوران اقامت آنها نیز طولانیتر شد. ضمناً در تعداد کسانی که به صورت فصلی و مقارن با دوران تعطیلات به موطن خویش مراجعت می‌کردند کاهش چشمگیر پدید آمد.

این تناقض مولود این واقعیت بود که در بدو امر فقط ورود خود کارگران محدود شد و ایشان نیز که انتظار اعمال مقررات شدیدتری را داشتند برای آوردن خانواده‌های خود از هیچ کوششی فروگذار نکردند. در نتیجه، بسیاری از کارگران مهاجر مراجعت به وطن را برای مدتی نامعلوم به تعویق انداختند و از ترس این که اجازه ورود مجدد به ایشان داده نشود حتی برای دیداری کوتاه نیز به وطن خویش نرفتند.

برای مثال، بین سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۸۲ حدود ۱۰۰/۰۰۰ نفر پرتغالی به وطن خویش مراجعت کردند. در حالی که همین مدت حدود ۲۰۰/۰۰۰ نفر از آنجا مهاجرت کردند. همین امر در کشورهای فرستنده دیگری نظیر فنلاند نیز اتفاق افتاد. در این کشور در سال ۱۹۸۲ تعداد مراجعت‌کنندگان ۷ درصد کاهش نشان منی‌داد. بررسی‌ای که در سال ۱۹۸۰ در ترکیه انجام شد دالاً بر آن بود که تعداد مراجعت‌کنندگان بسیار محدود شده است.

بدین سبب، برخی از کشورهای پذیرنده، از جمله فرانسه و جمهوری فدرال آلمان، طی دهه گذشته کوشیده‌اند از طریق اتخاذ سیاستهای خاصی مهاجران را به بازگشت تشویق کنند. این سیاستها پرسشهایی را برانگیخته‌اند که در حال و هوای آزادمنشانه مهاجرت بین‌المللی، که حتی در اوایل قرن بیستم نیز هنوز برقرار بود، محلی از اعراب نداشتند. این اندیشه که هنگامی که نیروی کار مازاد بر نیاز

باشد دولتها حق خواهند داشت کارگران مهاجر را به مراجعت به وطن خویش تشویق کنند به تدریج در سالهای بین دو جنگ جهانی پدیدار شد. امروزه، هیچ دولت اروپایی قادر نیست نسبت به اخراج دسته جمعی مهاجران دست به اقدامی قاطع بزند. پرداخت غرامت در مقابل از دست دادن حق اقامت که ملاً به از دست دادن حقوق اجتماعی مکتبه نیز منجر می‌شود اصلی است که قبول عام یافته است.

در نتیجه، جریان بازگشت با به رسمیت شناخته شدن حقی همراه شده که مهاجران و اتحادیه‌های کارگری نیز دیگر با آن مخالفت نمی‌ورزند و بیشتر هم‌ایشان مصروف آن است که مبلغ غرامت را از طریق مذاکره افزایش دهند. در چارچوب بحران اقتصادی، کارگران بومی کشور میزبان نسبت به تبعیضی که در شناسایی چنین حقی می‌بینند - حقی که به ایشان داده نشده و این تصور را در آنها ایجاد کرده که مهاجران هنگام ترک مشاغل خود از امتیازات ویژه‌ای برخوردارند - دست به اعتراض برداشته‌اند.

همزمان با بستن مرزها به روی کارگران خارجی، فکر فرآیند بازگشت نیز به تدریج در کشورهای پذیرنده رواج یافت. از لحاظی، چون مهاجران کشورهای میزبان را ترک نمی‌کردند این کشورها نیز فکر پرداخت پول برای تشویق ایشان به مراجعت را «اختراع کردند».

در واقع جنبه‌های حقوقی سیاستهایی که به منظور تشویق مهاجران به بازگشت به وطن اتخاذ شده مسائلی را چه در کشورهای میزبان و، به نحوی فزاینده، در موطن

اصلی مهاجران، پیش کشیده‌اند. در کشورهای میزبان، کمک به بازگشت این کارگران به عنوان اطمینان بخشیدن به آراء عمومی که نگران مسئله مهاجرت است توجیه می‌شود، ولی در عمل کاری پرهزینه، کم اثر و گاهی حتی زیانبخش از آب درآمده است. طرح این پرسش که، گذشته از جنبه نمادین آن و درآمدن به صورت وسیله‌ای برای چانه‌زدن بین دولتهای ذینفع، چه سودی بر آن مترتب است چندان بیجا نخواهد بود.

بازگشت مهاجران تا چه اندازه به نفع کشورهای فرستنده است؟ گو این که در بادی امر بازگشت ایشان ممکن است نافع بنظر برسد، مطالعاتی که اخیراً بعمل آمده نشان داده‌اند که چنین چیزی صحت ندارد.

وضع کارگران خارجی در کشور میزبان به نحوی نیست که از لحاظ آموزش حرفه‌ای و بهبود بخشیدن به کارایی فنی ایشان مؤثر باشد. دولتهای کشورهای میزبان بدین واقعیت پی برده‌اند و به همین جهت آنهایی که علاقه‌مند به مراجعت مهاجرانند منطبق با نیازهای کشورهای فرستنده دست به اقداماتی زده‌اند تا صلاحیت شغلی مراجعت‌کنندگان را بهبود بخشند.

ولی، به سادگی نمی‌توان به این اهداف حاضماً عمل پوشانید، به خصوص که کارگران مهاجر از ترک کار خود ولو برای ساعاتی معدود و شرکت در این برنامه‌ها استقبال نمی‌کنند چرا که مستلزم صرف نظر کردن از قسمتی از دستمزد آنهاست. ضمناً بسیاری از کسانی که قرار است مراجعت کنند در عداد کارگران غیر ماهر هستند و این خود مشکل را دوچندان کرده است.



ا کارگران مهاجر مصری پس از دو سال کار در عراق به وطن مراجعت می‌کنند.